



مطروح بود. از طریق فکری (اصطلاحی) که او ویژگی های طبقات مختلف اجتماعی وجود دارد، به هر چند از جمله اصلی ترین و اساسی ترین مباحثه طبقاتی است. اما هرگز نباید به عنوان یک تعریف کلی از طبقات اجتماعی در نظر گرفته شود. زیرا در هر جامعه ای به دلیل تفاوت های تاریخی و فرهنگی، ساختار طبقاتی متفاوتی وجود دارد. این تفاوت ها می تواند به دلیل تفاوت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشد. به عنوان مثال، در یک جامعه سرمایه داری، طبقات اجتماعی می تواند بر اساس میزان مالکیت ابزار تولید و نیروی کار تقسیم شود. در حالی که در یک جامعه اشتراکی، طبقات اجتماعی می تواند بر اساس میزان دسترسی به منابع و خدمات اجتماعی تقسیم شود. بنابراین، تعریف طبقات اجتماعی باید با توجه به شرایط خاص هر جامعه انجام شود.

شما پیش از این تأکید داشتید که جامعه ایران، جامعه‌ای بی طبقه و دارای فشرده‌بندی گسترده است. به این تئوری باید گفت ما در جامعه متوسط داریم، نه جامعه متوسط به این معنی و این واقع‌اقتضا، حضور عمیق تر شده‌ای و مانند و شاید بتوان گفت که این موقع اقتصادی فزاینده هشتم که معمولاً به ما تعریف مارکس، جورج و... می‌دهند همان گونه که پیش از این اشاره کردم، یکسری دهان‌ها و مولفه را در شکل گیری یک صورت می‌اندازد که این موقع را جامعه‌ای نه می‌شوند. اما طبقه تاریخی که اجتماعیت نه باشد و عمر طولانی از آن گذشته باشد و امروز این پرسش که منور بشر تأکید می‌کنیم بر این که از موقع بتوان طبقه‌ای را

[illegible][illegible]

با قشر متوسّط  
هستیم. در  
قسمت‌های  
رخ داده، حض  
بسیار کم  
که آن‌ها حض  
و در حقیقت  
تاریخ  
پر نشن

له من هم در مقاله‌ای درباره انقلاب مشروطه استفاده به این امر اشاره کرده و گفت‌نامه که محمله پیامداری اجتماعی انقلاب مشروطه این بوده اما مشکل این جاست که ما آنجا هم به صورت سمبلیک در این خصوص صحبت کردیم و اسم نیزه‌های بزرگتر را طبقه اشتراک‌یابی و اما واقعیت این است که یکی از علل شکست کامل و همه‌جانبه انقلاب مشروطه، کنش نکردن به سمت جمهوری، این بود که طبقه قوی نداشتیم، چنانچه اگر طبقه قوی تر یا سرمایهداری قوی داشتیم، این اتفاق نگریخته می‌شد.

وضع در انقلاب ۵۷ به چه صورت است؟ چرا که ما در سال‌های منتهی به انقلاب، گروه‌های در قلمند را می‌بینیم که می‌توان آنها را با آمار طبقه متوسط دانست... در آستانه انقلاب، وضع متفاوت است، در آغاز بلا بر گروه‌های منسجم و نسبتاً وسیعی از مردم می‌شود که شاید بتوان آنها را با عنوان اندام‌های باز هم همان طور که گفتیم این شکل‌السنی تر از آنهاست و به‌ویژه در انقلاب ۵۷ تفکرات ایدئولوژیک هم در آن بسیار به چشم خورد.

یکی از خصلت‌هایی که آن را از جمله  
خصایص طبقه متوسط  
می‌دانند، وجود عقلایت  
بازاری در آن است، شما با  
این امر موافقت؟  
همین‌طور است و در واقع  
نول اصلی این است که در  
کشورها و فضاهای  
تنگی که با فرایند  
الانی‌مت عقلایت‌یابی و  
تیلی‌روبرو هستند، این  
وجود دارد و ما طی کن  
افا، شما متذکر

این سال با تصمیمات و طرح های نو و پوی و دیدگاه های نو، آیینت تاریخی هم از سال هشتاد و پنج به هرگز با این آیینت امروز تفاوت کرد و باید و شاید جامعه و دین را به وراثت عقل و علم و تفکر پدید گرفته شده است. امروز، امر جدید می نباشد و به صورت مستمر و مداوم عقلانی چند معقول جامعه امروز بوده است. جای بحث نیست و رنگی از این چیز جدید که به وجود آمده و فراموشی آن در زمانه است. می کند اندکی و شیروان آنها را به دربارش دعوت کند و پست و پیمان آن را می کند بر صورت که است. منتظر آن که بگوید و دستاورد آن که به وجود آمده است. بهی از عقایدی در آن دیده نمی شود. همین

حکومت طاهریان و صفاریان پاشیدند. در تمام  
تاریخ ایران تاکنون، نهضت‌های عقلانی و  
پروگرافانه، نتوانستند عملگرایانه بر خورند  
به عوامل درونی و بیرونی این اجزاء و رانند.  
این ترتیب نمی‌توان گفت در ایران، عقلانیت  
بی‌آنکه از مولفه شکل‌گیری طبقه‌م‌داند،

## نگاہ منتقد



# کارآگاه محیط زیست

[illegible][illegible]

«بیزارت» شد؛ یعنی مجلس یازدهم دستکاری کرد. اسامی که در مفهوق خود داشته است که از آن استفاده می‌شده، مانند اسامی که من در خدمت خود می‌گذاشتم، به دست خود می‌گذاشتم. به عنوان مثال، در خدمت خود می‌گذاشتم که «کمیسیون تخصصی» باشد. اما در مجلس یازدهم، آن را «کمیسیون تخصصی» نامیدند. این یک تغییر نام است. این تغییر نام، در واقع، یک تغییر در مفهوم است. این تغییر نام، در واقع، یک تغییر در مفهوم است. این تغییر نام، در واقع، یک تغییر در مفهوم است.

**آرش خیراندیش**  
عضو ستاد مردمی  
نجات آشوراده

[illegible]

### شمارش معکوس



است: حیف‌زاد نام انسان - حیف‌آقل توجه‌ز پزانی  
و می‌گفت اهمیت‌دادن به حیوانات و بیکاری و  
نور دیده این‌ها هر چند که حشمت‌کار در توصیف مختلف  
است، هر چند که دیدنش و صحبت‌های من می‌گفتیم که  
آیا خواهان پیگیری هر چه سریع‌تر این جنایات  
نستیم  
(«بچه جهانش» هم با انتشار عکسی در  
فضای خودشان از جراحش و دربار این حرکت‌آعام  
نروده و توضیح داده که چرا عدای باید باشند که  
مستقیم عمل و قنای و رنج‌های و رنج‌دهند و باقی افراد  
نمی‌بینند و قنای‌دارند)

«پرستو صالحی» هم به این موضوع واکنش نشان داده و نوشته است: صفحه سیاه می‌کنم اونم به خاطر دفاع از حق موجودات بی‌دفاع و مظلومی که خدا آنرا آفریده و توی انسان نملد حق گرفتنشون رو به خودت دادی، اونم آن قدر وحشیانه... توی نتونستون به تصویر روبینیم چیه سه‌بارنه که نام‌رو می‌فهمان... این صفحه سیاه اعلام زنا جار از شماست؟ چه ساعت؟! دهی کد، بدی... اسلام، اسلام...

[illegible]

## تزریق اسید وزوزدهایی که از یادنمی رود

[illegible]